

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در The Cradle
ویراستاری و ارسال: علی مشرف
۲۶ اگست ۲۰۲۳

نقش تکانه‌دهنده کرد ها در قتل عام ایزدی های عراق



در حالی که قتل عام جامعه ایزدی سنجار اغلب به تباری اعراب سنی با داعش نسبت داده می شود، شواهد نشان می دهد رهبران کرد نقش مهمی در ایجاد این جنایت برای پیشبرد جاه طلبی های ارضی خود در شمال عراق داشتند. پس از حمله وحشیانه داعش در اگست ۲۰۱۴ به جامعه ایزدی در شمال عراق، روایتی به سرعت منتشر شد که اعراب سنی سنجار را به دلیل حمایت از نسل کشی مقصر می دانست. با این حال، کاوش عمیق تر در این قسمت وحشتناک، یک واقعیت بسیار تاریک تر را نشان می دهد – واقعیتی که مسعود بارزانی، سیاستمدار کرد عراقی و رهبری حزب دموکرات کردستان را در همکاری شوم با داعش درگیر و متهم می کند.

بازی قتل عام ایزدی ها

یکی از کشتارهایی که در روستای کوچک کوچو در ۱۵ اگست رخ داد که منجر به به بردگی گرفتن صدها زن و کودک و اعدام مردانشان شد. یکی از بازماندگان مرد با اشاره به اعراب سنی سنجار گفت: «همه اعراب اطراف ما با تروریست های داعش و علیه ما بودند.»

در اگست ۲۰۱۶، ویان دخیل، نماینده ایزدی پارلمان عراق ادعا کرد که حدود ۱۰۰۰ شبه نظامی خارجی داعش به سنجار حمله کردند، «اما ده ها هزار نفر برای حمایت از آنها هجوم آوردند. آن ده ها هزار نفر همسایه های ما بودند.»

با این حال، چند مرد عرب سنی اهل سنجار با کرا دل صحبت کردند تا این روایت را زیر سوال ببرند. آنها ادعا می کنند که مایل به اعدام همسایگان ایزدی خود نبوده اند که نسل ها در صلح با آنها زندگی کرده اند.

آنها به عنوان کشاورزان روستائی و گله داران، قدرت کمی برای جلوگیری از کشتارهای داعش داشتند. آنها می گویند که برخی از افراد عرب سنی در زمان حمله این گروه به سنجار به داعش پیوستند، اما این تعداد نسبتاً کمی بود و پیوستن به داعش عمدتاً با مخالفت جامعه عرب مواجه شد. همانطور که یکی از مردان توضیح می دهد:

«تروریسم نماینده هیچ قبیله و گروهی نیست، آنها نماینده خودشان هستند. اگر یکی از اعضای خانواده تروریست یا داعشی شود، این بدان معنا نیست که برادرش آن را می پذیرد. اما آنها نتوانستند در برابر آن مقاومت کنند وگرنه توسط دیگر داعشی ها کشته می شدند. همه زیر فشار اسلحه تسلیم شدند.»

در واقع، سیطره داعش بر عرب های سنی در سنجار به موصل نیز کشیده شد و با به دست گرفتن کنترل این مناطق توسط گروه تروریستی، این امر منجر به اعدام نیروهای انتظامی و امنیتی محلی شد.

یکی از عرب های سنی به کرا دل می گوید که داعش در سال ۲۰۱۴، ۱۹ نفر از روستای او را اعدام کرد که ۱۱ نفر از اعضای خانواده او بودند.

گزارش هیأت سازمان ملل متحد در عراق (یونامی) این ادعا را تأیید می کند که داعش عرب های سنی را نیز هدف کشتارهای خود قرار داده است و اعدام های دسته جمعی غیرنظامیان و سربازان عرب سنی را در زمانی که داعش قدرت را در موصل و تکریت به دست گرفته است، این ادعاها را مستند می کند. حتی کسانی که ظاهراً «توبه کردند» و با داعش بیعت کردند، اغلب به سرنوشت شومی دچار شدند و بدون توجه به همکاری آنها با اعدام روبه رو شدند.

«ما می دانیم که آنها می توانند ما را ببینند»

مردان سنی عرب که با کرا دل صحبت می کنند می پرسند که چگونه آنها به عنوان غیرنظامی می توانستند در مقابل داعش در سنجار مقاومت کنند، در حالی که ارتش عراق، پیشمرگه کرد و نیروی هوایی امریکا همگی قادر به جلوگیری از تصرف سنجار توسط داعش و قتل عام ساکنان ایزدی آن نبودند.

این افراد ادعا می کنند که هواپیماهای جنگی F-16 امریکا در هنگام وقوع قتل عام در آسمان بالای کوچو در حال پرواز بودند، اما نتوانستند یا نخواستند مداخله کنند و حملات هوایی انجام دهند، با وجود آن که شبه نظامیان داعش در کاروان هائی از وانت های جدید توپوتا تردد می کردند که براحتی از بالا قابل شناسائی بودند.

مردی به کرا دل می گوید: «ما می توانستیم ببینیم که اعضای داعش ایزدی ها را می کشند و هواپیماها هیچ کاری انجام نمی دادند.»

این را نائومی کیکولر، محقق حقوق بشر، که با بازماندگان قتل عام کوچو مصاحبه کرده بود، تأیید کرد. یکی از بازماندگان به او گفت که «جت ها در هوا پرواز می کردند. ما می دانستیم که آنها می توانند ما را ببینند. فکر می کردیم نجاتمان می دهند. پس از تیراندازی داعش هنوز هم صدای جت ها را می شنیدیم.»

«حتی اگر سلاخی شوم»

علی رغم خطراتی که اعراب سنی سنجان نیز از سوی داعش با آن مواجه بودند، نمونه‌های بیشتری وجود دارد که آنها به همسایگان ایزدی خود کمک کردند تا پس از کشتار کوچو فرار کنند. یکی از اعضای جامعه محلی عرب سنی به کرا دل می‌گوید:

«زمانی که داعش ایزدی‌ها را در سنجان کشت، هیچ‌کس نمی‌توانست به آنها کمک کند. هیچ‌کس نمی‌توانست کاری انجام دهد. ما فقط از آنها می‌ترسیدیم و از اینکار ناراحت بودیم. عده‌ای شب فرار کردند و مجروح شدند و آمدند و ما به آنها کمک کردیم. برخی تیرباران شده بودند. به تعداد دیگری پانسمان، آب و غذا دادیم و آنها را به کوه بردیم تا فرار کنند.»

شیخ نایف جاسو، یکی از شخصیت‌های برجسته ایزدی، تلاش‌های دوست عرب سنی خود، ابوسعدی را که در روستائی مجاور زندگی می‌کرد، بازگو کرد. شیخ جاسو در مصاحبه‌ای با شبکه خبری عراق ۲۴ توضیح داد که چگونه از ابوسعدی درخواست کرده است تا به دو بازمانده قتل عام کمک کند تا به کوه‌ها فرار کنند. به گفته شیخ جاسو، ابوسعدی در پاسخ گفت: «سعی خواهم کرد. حتی اگر خودم را سر ببرند، باید این کار را انجام دهم.»

با این حال، این تصور نادرست مبنی بر این که اعراب سنی در سنجان مسؤول نسل‌کشی داعش بودند، هنوز تا حد زیادی بدون سؤال باقی می‌ماند، اگرچه این دیدگاهی است که توسط جامعه وسیع‌تر ایزدی تبلیغ نمی‌شود، بلکه بیشتر توسط بلندگوهای سیاسی حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی تبلیغ می‌شود. علاوه بر این، ادعاهائی مطرح شده است که حزب دمکرات کردستان به ایزدی‌های منتخب رشوه پرداخته تا این ادعاها را در رسانه‌ها تقویت کنند و مایه سرزنش اعراب سنی شوند.

به عنوان مثال، ویان دخیل، نماینده ایزدی که اعراب سنی اهل سنجان را مسؤول نسل‌کشی می‌داند، یکی از اعضای حزب دمکرات کردستان است. حزب سیاسی بانفوذ کرد اغلب به دنبال جذب سیاستمداران از جوامع اقلیت عراق است، به این امید که آنها را کنترل کند و اطمینان حاصل کند که این جوامع به نفع منافع حزب دمکرات کردستان عمل می‌کنند.

اعراب سنی به عنوان گوشت قربانی

مقصر جلوه دادن اعراب سنی سنجان به عنوان یک دستکاری محاسبه شده از طرف مجرمان اصلی یعنی حزب دمکرات کردستان صورت می‌گیرد. آنها با این توجیه که نیروهای پیشمرگه وظیفه جدی حفاظت از ایزدی‌ها در سنجان را به عهده داشتند.

ون دن تورن می‌نویسد که یکی از مقامات محلی حزب دمکرات کردستان به او گفته است که «مقامات عالی حزب به نمایندگان گفته‌اند که مردم را آرام نگه دارند و اگر مردم مناطق تحت پوشش خود را ترک کنند، حقوق (دستمزد) آنها را کاهش خواهند داد».

مقامات امنیتی کرد همچنین اسلحه‌های جوامع مسیحی در دشت نینوا را مصادره کردند، بعد آنها را ترک کردند و به حال خود رهاشان کردند، این درحالی بود که داعش با استفاده از تاکتیک‌های مشابه به سنجان حمله کرده بود. حزب دمکرات کردستان و پیشمرگه بارزانی با متقاعد کردن ایزدی‌ها برای ماندن در سنجان علی‌رغم تهدید داعش، مصادره سلاح‌های آنها و سپس رها کردن آنها در آخرین لحظه بدون هشدار، اطمینان حاصل کردند که داعش قادر خواهد بود تا حد امکان بسیاری از ایزدی‌ها را قتل عام و به بردگی بکشد.

واقعیت تلخ این بود که اگر شبه نظامیان جناح‌های کرد رقیب، حزب کارگران کردستان (پکک) و شاخه سوری آن، واحدهای مدافع خلق (YPG) در ماجرا دخالت نمی‌کردند، جنایات انجام شده توسط داعش حتی بزرگتر می‌شد. شبه‌نظامیان پکک و ی‌پگ که از منطقه مرزی رابعه با سوریه می‌آمدند، دالان‌های امنی را برای فرار ایزدی‌ها از کوه سنجار ایجاد کردند.

یک توافق صریح

چندین ایزدی مطلع که با کرا دل صحبت کردند گفتند که پیشمرگه‌ها با عقب نشینی ناگهانی به آنها خیانت کرده اند، اما هیچ کدام نمی‌دانستند چرا چنین خیانتی توسط آنها صورت گرفت. چندین منبع مدعی شده اند که مسعود بارزانی با داعش توافق کرده و دلیل عقب نشینی پیشمرگه‌ها نیز همین بوده است. به گفته پیر ژان لونیزارد، محقق فرانسوی و کارشناس عراق، «یک توافق صریح» بین بارزانی و داعش وجود داشت که «هدف آن تقسیم کردن تعدادی از مناطق بود». به داعش وظیفه نابودی ارتش مرکزی عراق داده شد و در عوض پیشمرگه‌ها مانع ورود داعش به موصل یا تصرف تکریت نمی‌شدند. جمیل بایک، یکی از اعضای ارشد پ.ک.ک همچنین ادعا کرد که بارزانی، آزاد برواری، عضو ارشد حزب دموکرات کردستان را برای دیدار با چهره‌های سیاسی سنی و نمایندگان داعش به عمان در اردن فرستاده بود تا برای داعش برای تصرف موصل برنامه ریزی کند. همانطور که توسط کرا دل گزارش شده است، ائیل النجیفی، سیاستمدار برجسته سنی، والی وقت استان نینوا، «که هم با داعش همکاری می‌کرد و هم به عنوان نماینده ترکیه عمل می‌کرد» نقش کلیدی در تسهیل سقوط موصل ایفا کرد. توافق بارزانی با داعش ظاهراً شامل تأمین سلاح برای این گروه تروریستی بدنام بود. به گزارش مایکل روبین از مؤسسه امریکن اینترپرایز (AEI)، این تسلیحات شامل راکت‌های ضد تانک کورنت بود که داعش برای انهدام تانک‌های M1A1 ابرامز در نبرد با ارتش عراق از آنها استفاده کرد. روزنامه نگاران و اعضای پارلمان اقلیم کردستان بعداً تأیید کردند که فرماندهان ارشد پیشمرگه با داعش مبادله سلاح کرده اند و هیچ یک از آنها هرگز متهم نشده اند و عدالت در مورد آنها اجراء نشد.

اورشلیم کردی

تمایل بارزانی برای تقسیم مناطق با داعش، علی‌رغم جنایاتی که آشکار شد، با یک ستراتیژی حساب شده برای گسترش نفوذ خود و دستیابی به هدف دیرینه خود برای ایجاد یک کشور مستقل کردی تقویت شد. در هسته خود، جاه طلبی بارزانی به دنبال تأمین امنیت سرزمین‌های جدید، دسترسی به ذخایر نفتی دست نخورده، جمع آوری سلاح، و جلب حمایت بین‌المللی برای تحقق یک کشور کردستان مستقل بود. ایده اصلی این بود که داعش بیشتر مناطق عرب سنی نشین در شمال عراق را تصرف کند و بسیاری از این جمعیت این مناطق را مجبور به فرار کند و سپس کردهای مورد حمایت امریکا و وظیفه «آزادسازی» و «کردی سازی» آنها را انجام دهد. رویترز به نقل از یک مقام اقلیم کردستان گفت: «همه نگران هستند، اما این یک شانس بزرگ برای ما است. داعش در عرض دو هفته چیزی را به ما داد که مالکی در هشت سال نتوانست به ما بدهد» از آنجائی که هرج و مرج ایجاد شده توسط داعش موصل را فرا گرفت و ارتش عراق دچار ضعف و زبونی شد، دستور سریع بارزانی این بود که نیروهای پیشمرگه خود را بسیج کند تا شهر نفت خیز کرکوک را به تصرف خود

درآورد - منطقه ای با اهمیت ژئوپلیتیکی که محل زندگی جمعیت های عرب و ترکمن نیز بود. این تسخیر سرزمینی ارزش نمادینی مشابه «اورشلیم کردها» داشت.

دنیس ناتالی از دانشگاه دفاع ملی مشاهده کرد که «بارزترین دستاورد کردها از تسلط داعش بر موصل، ارضی است، زیرا کردها حدود ۴۰ درصد قلمرو خود را گسترش داده بودند.» ماکس جوزف، نویسنده آشوری، آن را بخوبی خلاصه می‌کند: «این فتح و اشغال است که به عنوان آزادسازی فروخته می‌شود».

ولادیمیر ون ویلگنبرگ، روزنامه‌نگار و کارشناس امور کردها نیز به همین ترتیب توضیح داد که پس از سقوط موصل، «کردها اکنون اکثر مناطق مورد مناقشه را کنترل می‌کنند... آنها تقریباً مرزهای مورد نظر ملی خود را دارند».

با کنترل کرکوک، بارزانی نه تنها به اراضی جدید، بلکه ذخایر عظیم نفتی جدید دست یافت که بلافاصله صادرات آن را از طریق یک خط لوله جدید به شهر بندری جیهان ترکیه آغاز کرد.

همانطور که فوربس گزارش داد، با وجود مخالفت شدید نوری المالکی، نخست وزیر عراق، بیشتر این نفت سپس به اسرائیل فروخته شد. جروزالم پست خاطرنشان کرد که تا سال ۲۰۱۵، نفت کردستان ۷۷ درصد از واردات نفت اسرائیل را تشکیل می‌داد.

جلب همدردی جهانی

با این حال، این سؤال مطرح می‌شود: با توجه به دستیابی بارزانی به قلمرو و منابعی که از طریق سقوط موصل به دنبال آن بود، چرا کشتار بعدی ایزدی ها ضروری بود؟

یک تاجر کرد که با اتحادیه میهنی کردستان (PUK) ارتباط دارد، به کرا دل توضیح می‌دهد که بارزانی دریافته است که سوء استفاده از تهدید اقلیت های مذهبی بهترین راه برای ایجاد همدردی با آرمان خود در محافل غربی است.

دو هفته پس از سقوط موصل به دست داعش، بارزانی به بی‌بی‌سی گفته بود: «هر آنچه اخیراً رخ داده است نشان می‌دهد که این حق کردستان است که به استقلال برسد. از این به بعد، ما کتمان نمی‌کنیم که این هدف ماست. عراق عملاً اکنون تجزیه شده است».

اما هدف بارزانی از استقلال کردستان از حمایت بین المللی اندکی برخوردار بود. سیاست رسمی ایالات متحده که از حفظ وحدت عراق و خودمختاری کردستان حمایت می‌کرد، با مخالفت بازیگران کلیدی منطقه ئی ایران و ترکیه نیز مواجه شد. جای تعجب نیست که تنها دولتی که مایل به حمایت قاطع از هدف بارزانی بود اسرائیل بود.

سیاست جلب ترحم

جنايات علیه ایزدی ها موجب همدردی بین المللی بی سابقه ای شده است. وضعیت اسفبار ایزدی‌هائی که در کوه سنجار تحت تهدید شبه‌نظامیان سیامپوش داعش به دام افتاده‌اند، ماه‌ها بر چرخه رسانه‌ئی مطبوعات غربی تسلط داشت.

بارزانی به طور مؤثر از ترس جهانی از داعش و همدردی بین المللی با ایزدی ها بهره برداری کرد و این مورد را مطرح کرد که کردها برای آزادسازی این مناطق، جدا از هرج و مرجی که بقیه عراق را آزار می‌دهد، به کمک مستقیم نیاز دارند. این راهکار به او اجازه داد تا مقادیر قابل توجهی سلاح، مستقل از دولت مرکزی در بغداد را از غرب دریافت کند.

کاخ سفید در ۱۱ اگست یک خط لوله مستقیم تسلیحاتی به پیشمرگ های بارزانی افتتاح کرد، در حالی که قتل عام ایزدیه‌ها هنوز در جریان بود. واشنگتن گزارش داد که این کار باید از طریق سیا انجام شود زیرا ارتش امریکا هیچ مجوز قانونی برای دور زدن بغداد و ارسال سلاح مستقیم به کردها ندارد.

همانطور که گاردین در همان روز گزارش داد:

«ایده تسلیح کردها موضوع هفته ها ریزنی داخلی و سکوت رسمی مشاوران سیاست خارجی رئیس جمهور بارک اوباما بوده است. این یک گام سرنوشت‌ساز در بحران کنونی عراق است که خطر تجزیه بلندمدت عراق را به دنبال دارد.»

جاه طلبی های الحاقی

بیش از یک سال بعد، یک افشاگری نگران کننده آشکار شد، زیرا انتلافی از نیروهای از جمله پ.ک.ک، پیشمرگه ها و انتلاف تحت رهبری ایالات متحده با موفقیت شهر سنچار را بازپس گرفتند. انگیزه های پنهانی بارزانی برای اجازه دادن به قتل عام ایزدی ها به طرز شگفت انگیزی آشکار شد، زیرا او برای الحاق سنچار حرکت کرد و انگیزه های عمیق تر خود را نشان داد.

بارزانی در بیانیه ای گستاخانه اعلام کرد که سنچار «از هر نظر متعلق به کردستان است.» او با این اظهارات تلاش کرد روایت نسل کشی ایزدی ها را به نفع خود بازنویسی کند.

بارزانی تلاش کرد تا سنچار را به عنوان نمادی از سرکوب مردم کرد بازنویسی کند و اساساً این واقعیت را پاک کند که این تراژدی اساساً یکی از رنجهای عظیمی بود که ایزدیه‌ها تحمل کردند و تهدیدی وجودی برای این اقلیت مذهبی کرد بود.

او سپس همسایگان عرب سنی ایزدی ها در سنچار را به خاطر جنایتی که خود او سازماندهی کرده بود سرزنش کرد: «اگر اعراب منطقه علیه برادران ایزدی جنایت نکرده باشند و به داعش کمک نکرده باشند، اینها برادران ما هستند و ما از آنها محافظت خواهیم کرد، اما اگر دستهایشان با خون کردها و برادران ایزدی سرخ شود، سرنوشت مشابهی خواهند داشت.»

ترس از مجازات

چندین ایزدی در مصاحبه با کرادل از بارزانی و نقش پیشمرگه ها در خیانت به آنها ابراز ناراحتی کردند. با این حال، آنها گفتند که جامعه ایزدی از انتقام گیری آنها هراس دارد تا در این مورد آشکارا و در رسانه ها صحبت کنند. حتی ۹ سال بعد، تعداد کمی از ایزدی‌های سنچار توانسته‌اند به خانه‌های خود بازگردند و بیشتر آنها در چادرها در اردوگاه‌های آوارگان در منطقه کردستان که توسط حزب دمکرات کردستان بارزانی اداره می‌شود، زندگی می‌کنند. از آنجائی که اکثر ایزدی ها در همان حوزه سیاسی که قتل عام و بردگی آنها را سازماندهی کرد به زندگی ادامه می دهند، آنها در ترس دائمی از این که ممکن است نسل کشی دیگری بزودی اتفاق بیفتد، زندگی می کنند، حتی اگر داعش تا حد زیادی، اما نه به طور کامل، شکست خورده است.

[The shocking Kurdish role in Iraq's Yazidi genocide \(thecradle.co\)](http://thecradle.co)